

##### گفت‌وگو

حجت‌الاسلام‌والمسلمین‌استادمحمدامین‌پورامینی در حاشیه درس فقه مکاسب خود، به‌مناسبت ذکر کتاب ابوصلاح حلبی، مطالبی مهم و انتقادی را پیرامون مناظره جنجالی اخیر، انحرافات اردستانی و پس‌لرزه‌های آن بیان کرد.

\*\*\*

##### • بخش اول:

##### اهمیت متون کلامی قوی و ریشه‌یابی ضعف مبانی

«کتاب الکافی ابوصلاح حلبی، یک کتاب فقهی مشهور است. خداوند ابوصلاح حلبی را رحمت کند. او دوائر‌ارزشمند دارد که بحمدالله در دسترس ما باقی مانده است: یکی از آن‌ها «الکافی فی‌الفقه»<sup>۱</sup> است که چاپ شده و دیگری «تقریب‌المعارف»<sup>۲</sup> که در علم کلام است. این کتاب کلامی، بسیار خوب و ارزشمند است؛ توصیه می‌کنم آن را مطالعه کنید.

نسخه کامل آن را که با تحقیق فاضل پرتلاش و سخت‌کوش، مرحوم حجت الاسلام شیخ فارس حسون تبریزیان (۱۳۴۷–۱۳۴۷ش) منتشر شده است، بخوانید. این کتاب دو تحقیق دارد که هر دو چاپ شده‌اند: یکی با تحقیق آیت‌الله استادی و دیگری همان که مرحوم شیخ فارس حسون تبریزیان انجام داد.

«تقریب‌المعارف» یک تحفه است؛ بگردید و آن را که با تحقیق مرحوم تبریزیان است، پیدا کنید که کامل است؛ مختصر، مفید و قاطع. اگر امثال این کتاب‌ها– و همچنین کتاب‌هایی صریح و استدلالی و بعضاً جدلی مثل «التعجب» کراچکی که واقعاً خواندنی‌است– کتاب درسی حوزه می‌بود، امثال [سلیمانی] اردستانی پدید نمی‌آمدند. این افراد به درس‌های معمول حوزه اکتفا کرده‌اند که معلوم هم نیست چگونه خوانده باشند و پس از آن هم سراغ دانشگاه رفتند، بدون آنکه مبانی کلامی خود را به‌طور کامل تکمیل کرده باشند.

##### مغالطه «عدالت خودساخته»

حالا با شیوه تشکیک و منطق ضعیفی همچون «برایم ثابت نیست» یا «با عدالت نمی‌سازد»، شبهاتی را مطرح می‌کند؛ آن هم با منطقی که اگر یک محصل پچه‌سال آن را مطرح کند، موجب خنده است.

ملاک او این است که هر گزاره تاریخی را که با تعریفی که خودش از عدالت ارائه داده است، سازگار نباشد، قبول نمی‌کند! اگر ملاک این باشد، پس خیلی چیزها جای اشکال است؛ پس باید بگوییم تولد بچه ناقص‌الخلقه با عدالت نمی‌سازد، یا سیل می‌آید و عده‌ای از بین می‌روند، پس بگو با عدالت نمی‌سازد. این بحث که جدید نیست؛ از قدیم مطرح بوده و جوابش را هم داده‌اند؛ ولی معلوم می‌شود که درست نخوانده‌اند. خدا رحمت کند شهید مطهری را که [کتاب] عدل الهی را نوشتند.

##### • بخش دوم: مصالح عالیه

##### و تبیین وظیفه امام علی و حضرت زهراعلیهما السلام

«... علل [صبر حضرت علیعلیه السلام] متعدد است و باید مصالح را در نظر گرفت. این امر، ناشی از اوامر و دستوراتی است که رسول اکرمصلی الله علیه و آله به حضرت امیرعلیه السلام دادند. توصیه پیامبرصلی الله علیه و آله به امام علیعلیه السلام در وقایع پیش‌رو روایت شریفی در مناقب آل ابی‌طالب (ج ۳، ص ۲۱۶) آمده است که نشان می‌دهد، وظیفه امامعلیه السلام صبر بود: پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! تو پس از من، چنین و چنان خواهی دید». علیعلیه السلام گفت: «ای پیامبر خدا! شمشیر، دولبه دارد و من، نه [از کشته‌شدن] باک دارم و نه ذلت‌پذیرم». فرمود: «ای علی! صبر کن». علیعلیه السلام گفت: «ای پیامبر خدا! صبر خواهم کرد.»

##### مقایسه موضع‌گیری

##### در خلافت ودفاع از پیکر حضرت زهراعلیهما السلام

باید توجه داشت که حضرت علیعلیه السلام کسی است که در قضیه دفن حضرت فاطمه زهراعلیهما السلام – زمانی که غاصبان خلافت خواستند به‌بهانه نمازگزاردن بر پیکر حضرت، قبرهای جدید در بقیع را بشکافند– با پوشیدن لباس زرد جنگی و شمشیر به دست، در حالت غضبناک فرمود: اگر یک قبر شکافته شود، خون او ریخته می‌شود. این تهدید حضرت منجر به آن شد که عقب نشستند.<sup>۳</sup>

با وجود قاطعیت ایشان، در قضیه خلافت، وظیفه

## واکاوی انحرافات اردستانی

## فاجعه ناشی از ضعف مبانی کلامی

## و نقد منطق «عدالت خودساخته»

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدامین پورامینی

اصلاً جناب آقای حجت‌الاسلام حامد کاشانی حفظه‌الله، باید قبل از هر چیز تکلیفش را با او روشن می‌ساخت و از خود او می‌پرسید که با چه کسی طرف است؟ آیا با یک طلبه شیعه که علامت استفهام روی بعضی مباحث دارد، مواجه است و یا طرف او یک غیرشیعه است؟

##### • بخش چهارم:

##### ضرورت بازگشت به متون اصیل و شناخت جایگاه امامت

«متأسفانه اکنون مجموعه شبهات این شخص [اردستانی] را بدون انضمام پاسخ‌ها، دارند پخش می‌کنند؛ الآن شبهه را پخش می‌کنند؛ اما جواب شبهه را نه.

خلاصه اینکه ذکر نام ابوصلاح حلبی باعث شد که گریزی به قضایای اخیر برنیم. علمایی که در محیط اهل سنت بودند، کتاب‌هایی که نوشتند، بسیار قوی است؛ چون مخالفان‌شان دم دست‌شان بود و با آن‌ها محصور بودند. ابوصلاح حلبی در حلب شام بود و همان‌جا مخالفان حضور داشتند. یا سیدمرتضی و شیخ طوسیرحمتهما در بغداد بودند که آن زمان معتزله بر آن چیره بودند و این [حضور در محیط مناظره] در نحوه عرضه مطلب و شیوه دفاع از مذهب خیلی کمک کرد.

و قبل از این‌ها شیخ مفیدرحمته است. [به شافعی سیدمرتضیرحمته نگاه کنید و همچنین کتاب الصراط المستقیم بیاضی که از علمای نبطیه است و بسیار خوب است و یا فاضل مقداد و کتاب باب حادی عشر که قیلاً تدریس می‌شد و متأسفانه [از سرفصل‌ها] حذف شد. او کتاب ارزشمند دیگری دارد به‌نام اللوامع الالهیه که بسیار خوب است و مدتی بحث امامت آن را درس گفتم. بی‌توجهی به اینها و عدم مراجعه به این متون به طلاب ما صدمه وارد کرده است. در دوره بعد کار کارستان علامه میرحامد حسین وعلامه شرف‌الدین ... است.

##### مغالطه تفسیری و جایگاه امامت

خلاصه اینکه این شبهات چیز جدیدی نیست؛ قیلاً مطرح و جواب داده شده است. به این شخص می‌گوییم: شما در ابتدا اصل و جایگاه امام و امامت را باید درک کنی و بعد نوبت به عصمت آن‌ها برسد. اگر [اصل امامت و بحث عصمت] فهمیده شود، گام اصلی برای درک حقیقت برداشته می‌شود.

نه اینکه عدالت را با تفسیری خودساخته و خودفهمیده، معیار برای فعل امامصلی الله علیه و آله قرار دهی. با تفسیری که از عدالت می‌کنی، پس بردن اهل‌بیتعلیهم السلام به کرپلا را هم بگو با عدالت نمی‌سازد! اگر تفسیر از عدالت آن است که من می‌فهمم، تمام این‌ها را زیر سؤال ببر! ولی اگر امام و امامت را شناخته باشی، جور دیگر سؤال می‌کنی که سؤال استفهامی خواهد شد نه انکاری. لذا می‌گوییم اگر تو در کلام بحث داری، برو بحث کلامی کن. اگر می‌گویی من گزاره تاریخی را قبول ندارم، چون به حق تخصصش را نداری، پس چرا می‌روی در قضیه امام جوادعلیه السلام به قضیه مجعول تاریخی تمسک می‌کنی؟ بالآخره تکلیف خودت را با خود مشخص کن.

##### • پی‌نوشت

۱. تقی‌الدین بن نجم‌الدین، معروف به ابوالصلاح حلبی (۴۴۷–۳۷۴ق)، فقیه و متکلم امامی در قرن چهارم و پنجم هجری قمری است. او از شاگردان سیدمرتضی و شیخ طوسیرحمتهما بود. از شاگردان مشهور وی می‌توان به ابن‌زیاج و محمدبن علی کراچکی اشاره کرد. دیدگاه‌های فقهی حلبی تا حد زیادی نزدیک به مکتب بغداد و متأثر از نظرات سیدمرتضی است. بر طبق دیدگاه حلبی، منصب قضا، تنها در صلاحیت امامان معصومعلیهم السلام و نایبان آنهاست و کسانی که به نیابت از امام معصوم عهده‌دار امر قضا می‌شوند، باید ویژگی‌هایی مانند عقل، بصیرت، ورع، عدالت، برزباری و قصد و تصمیم جدی در اجرای احکام داشته باشند. از آثار مشهور وی می‌توان الکافی فی‌الفقه و تقریب‌المعارف را نام برد.

۲. مهم‌ترین و مشهورترین اثر او کتاب الکافی فی‌الفقه است که یک دوره فقه جامع و در بردارنده پاره‌ای مباحث کلامی است. او در این اثر ابتدا شقوق مختلف هر مسئله را به اجمال و سپس به‌تفصیل بررسی کرده و نظر خود را گاه با استناد به ادلهٔ بیان داشته



است. فقه‌ای شیعه به کتاب الکافی بسیار استناد کرده و آن را ستوده‌اند؛ از جمله ابن‌ادریس حلیرحمته آن را تألیفی نیکو و محققانه خوانده است. ۳. تقریب‌المعارف کتابی به زبان عربی و در موضوع اصول اعتقادات، نوشته ابوالصلاح حلبیرحمته است. حلبی در این کتاب به پاره‌ای از مباحث ایتکاری پرداخته که تا عصر او مطرح نبوده است؛ از جمله موضوع تکلیف، مباحث گوناگون درباره امامت با استناد به قرآن و احادیث و مباحث مرتبط با وجود امام عصر. این کتاب از منابع علامه مجلسیرحمته بوده و شیخ حر عاملیرحمته نیز آن را ستوده است. ۴. بر اساس گزارش‌های متواتر و معتبر، امام علیعلیه السلام پیکر ایشان را شبانه و مخفیانه و به‌همراه چند نفر از خواص، به خاک سپردند و این موضوع، طبق وصیت خود حضرت زهراعلیهما السلام بود. گزارش‌هایی نیز وجود دارد که بعد از این دفن مخفیانه، گروهی تصمیم به نیش قبرهای جدید و یافتن مردن آن‌حضرت را داشتند که با واکنش شدیدی امام علیعلیه السلام مواجه شدند. یکی از این گزارش‌ها به قرار ذیل است: روز بعد از خاکسپاری حضرت زهراعلیهما السلام بود که مسلمانان از رحلت حضرت‌شان آگاه شدند. آنان به سمت بقیع رفتند؛ اما با چهل قبر جدید مواجه شده و نتوانستند قبر دختر پیامبرصلی الله علیه و آله را از میان آنها تشخیص دهند. مردم از این مصیبت به گریه افتاده و یکدیگر را سرزنش کرده و گفتند: رسول‌خداصلی الله علیه و آله بیشتر از یک دختر به یادگار نهاده که او نیز رحلت کرد و به خاک سپرده شد و شما موقع وفاتش حاضر نشدید و بر پیکرش نماز نخواندید و محل دفنش را هم نمی‌دانید. وایبان امر گفتند: گروهی از زنان مسلمان را حاضر کنید تا این قبرها را بشکافند و محل دفن جنازه زهراعلیهما السلام را به دست آورند تا بر بدن ایشان نماز بخوانیم و قبرش را زیارت کنیم!

هنگامی که این خبر به گوش امام علیعلیه السلام رسید، خشمگین شده، چشمان مبارکش سیخ شده و رگ‌های گردنش بالا زد و قیای زرد رنگی را که هنگام خشم بر تن می‌کرد، پوشید و تکیه بر ذوالفقار زد و وارد بقیع شد و سوگند خورد که اگر یک سنگ از این قبرها جابه‌جا شود، شمشیر می‌کشد و همه افرادی را که آن‌جا هستند، تا آخرین نفر نابود می‌کند.

عمر بن خطاب به‌همراه برخی همراهانش با امام علیعلیه السلام ملاقات کرد و گفت: ای ابوالحسن! این چه رفتاری است که داری؟ به خدا قسم ما قبر فاطمهعلیهما السلام را می‌شافیم و بر پیکرش نماز می‌خوانیم؛ اما امامعلیه السلام لباس‌های او را گرفت و فرمود: «من از حق خود تنها به این دلیل چشم‌پوشی کردم که می‌ادام‌مردم از دین خود برگردند. به آن خدایی که جان علیعلیه السلام در دست قدرت اوست، اگر به این قبرها دست‌اندازی کنی، زمین را از خون شما سیراب خواهم کرد. از این خیال صرف نظر کنی!». سپس ابوبکر با ایشان ملاقات کرد و گفت: ای ابوالحسن! تو را به حق پیامبرصلی الله علیه و آله و آن خدای بالای عرش سوگند می‌دهم که آرام شو؛ زیرا ما از انجام‌دادن کاری که مورد پسند تو نیست، خودداری می‌کنیم. (طبری املی، محمدبن جریر، دلائل‌الامامة، ص ۱۳۷–۱۳۶، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲–۱۷۱، بیروت، دار‌ل‌احیاء‌التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق؛ ر. ک: هلائی، سلیم‌بن قیس، کتاب سلیم‌بن قیس الهلالی، محقق، مصحح، انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ج ۲، ص ۸۷۲–۸۷۱، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق).

۵. آلوسی مفسر مشهور اهل تسنن می‌نویسد: «انه لما یجب علی غضب عمر واضرم النار بیاب علی وأحرقه ودخل فاستقبلته فاطمة وصاحت: «یا آبتاه وی‌ا رسول‌الله» فرغ عمر السیف وهو فی غمده فوجأ به جنها المبارک ورفع السوط فضرب به ضرعها (ذراعها/ بحار) فصاحت یا آبتاه فأخذ علی بتلابیب عمر وهزه ووجأ أنفه ورفقته: عمر عصبانی شد و در خانه علی را به آتش کشید و داخل خانه شد. فاطمهعلیهما السلام به طرف عمر آمد و فریاد زد: «یا آبتاه، یا رسول‌الله! عمر شمشیرش را که در غلاف بود، بلند کرد و به پهلوی فاطمه زد، تازیانه را بلند کرد و بر بازوی فاطمه زد. فاطمه فریاد زد: «یا آبتاه» (با مشاهده این ماجرا، علیعلیه السلام ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به‌شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید. (الآلوسی البغدادی، العلامة أبی‌الفضل شهاب‌الدین السید محمود (متوفای۱۲۷۰ه)،روح‌المعانی فی تفسیر القرآن‌العظیم ولسبع‌المثانی، ج ۳، ص ۱۲۴، ناشر: دار‌ل‌احیاء‌التراث العربی، بیروت). آلوسی این روایت را بدون هیچ حاشیه و نقدی نقل کرده و رد نکرده است که حاکم از پ‌ذیرفتن آن دارد. سلیم‌بن قیس نیز می‌نویسد: با مشاهده این جریان (جسارت عمر)، ناگهان علیعلیه السلام از جا بلند شد و یقه عمر را گرفت و او را محکم کشید و بر زمین زد و به بینی و گردنش کوبید و خواست او را بکشد... که فرمایش پیامبرصلی الله علیه و آله وصیت او را به یاد آورد و فرمود: قسم به‌خدایی که محمدر را به پیامبری ارج نهاده است، ای پسر صهاک (منظور عمر است) اگر نبود کتابی از طرف خدا و نیز عهدی که با رسول‌اللهصلی الله علیه و آله کرده‌ام، می‌فهمیدی که نمی‌توانی داخل خانه من شوی! در اینجا، عمر از دست علی آزاد شد و از مردم کمک خواست. (سلیم در کتاب اسرار آل محمدصلی الله علیه و آله فصل چهارم، صفحه ۳۲).

تهیه و تنظیم: حمیدکرمی

است. اعتکاف اعلام برانت عملی از تمدن مادی‌گرای غرب و جلوهای روشن از پناه آوردن آگاهانه انسان به خانه امن الهی است؛ انتخابی معنادار برای بازگشت به هویت توحیدی و فاصله گرفتن از الگوهایی که انسان را از فطرت خویش دور می‌سازد.

بی‌تردید امتداد اجتماعی این معنویت و تثبیت حالات معنوی جوانان و نوجوانان در متن زندگی فردی و اجتماعی می‌تواند به شتاب‌دهنده‌ای مؤثر برای حرکت پیشرفت‌محور ایران اسلامی بدل شود؛ چراکه جامعه‌ای متکی بر ایمان، خودسازی و مسئولیت‌پذیری، بنیان‌های پیشرفت پایدار را مستحکم‌تر خواهد ساخت. لذا وعدهٔ دیدار بعدی ما معتکفین در امتداد راه اعتکاف، برپایی احیای مبارک نیمهٔ شعبان در مساجد اعتکافی سراسر کشور است. این گردهمایی بستری برای تثبیت حالات معنوی کسب‌شده و تداوم این پیوند نورانی در آستانه ولادت حضرت حُجَّتُ الْمَوْلَاةِ رَیْحَةُ الْمُحَمَّدِیَّةِ است.

در پایان ضمن قدردانی از رهبر معظم انقلاب اسلامی و نیز مراجع عظام تقلید در هدایت و راهبری داهیهانه برگزاری اعتکاف، از همه خادمان اعتکاف، مبلغین، مربیان، هیئات امنای مساجد، خانواده‌ها و نیز تمامی نهادها و دستگاه‌های هم‌افزا که با همدلی و همکاری زمینه برگزاری شایسته این حرکت نورانی را فراهم ساختند تشکر نموده و از خداوند متعال مسئلت داریم که این نهضت معنوی را روزبه‌روز پربارتر و آثار آن را در اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ماندگار فرماید.

در بیانیه پایانی اعتکاف ۱۴۰۴ سراسر کشور عنوان شد

### اعتکاف؛ محبوب‌ترین گردهمایی معنوی نسل جوان و نوجوان ایران اسلامی

مشتاقان معنویت را در مساجد این سرزمین مهیا ساخت و خانه‌های خدا بار دیگر میزبان خلوت عاشقانه بندگان با پروردگار شد.

اعتکاف نشانه‌ای روشن از جهت‌گیری صحیح معنوی ملت ایران است؛ حرکتی برخاسته از متن مردم که پیوند ناگسستنی ملت ایران با ایمان، معنویت و ارزش‌های الهی را به‌روشنی به نمایش می‌گذارد. بر اساس گزارش‌های رسمی جمع‌آوری شده، آیین اعتکاف امسال با رشد قابل توجه حضور جوانان و نوجوانان همراه بوده و جلوهای امیدبخش از اقبال نسل نو به معنویت را رقم زده است؛ تا آنجا که اعتکاف امروز به محبوب‌ترین گردهمایی معنوی جوانان و نوجوانان ایران اسلامی تبدیل شده است.

در سالی که با شعار «اعتکاف، معنویت، اتحاد و استقامت» نام‌گذاری شده است، برگزاری این سنت نبوی در ایران اسلامی به‌عنوان یکی از اثرگذارترین بسترهای هم‌افزایی اجتماعی نقش مهم در تقویت اتحاد، انسجام و روحیه استقامت ایفا کرده

ستاد مرکزی اعتکاف در بیانیه پایانی اعتکاف ۱۴۰۴ کشور را اعلام کرد: آیین اعتکاف امسال با رشد قابل توجه حضور جوانان و نوجوانان همراه بوده و جلوهای امیدبخش از اقبال نسل نو به معنویت را رقم زده است.

به گزارش خبرگزاری حوزه، ستاد مرکزی اعتکاف در بیانیه پایانی اعتکاف ۱۴۰۴ کشور را اعلام کرد: آیین اعتکاف امسال با رشد قابل توجه حضور جوانان و نوجوانان همراه بوده و جلوهای امیدبخش از اقبال نسل نو به معنویت را رقم زده است. متن بیانیه به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اکنون که بار دیگر توفیق برگزاری عبادت جامع اعتکاف در سراسر ایران اسلامی فراهم شد، شایسته است شکر و سپاس بیکران خود را به درگاه خداوند متعال ابراز داریم؛ نعمتی بزرگ که در پرتو نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران زمینه حضور گسترده